



نظریه «قدرت نرم» در قرآن کریم

مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب

اصغر افتخاری: دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
علی کمالی اندانی*: دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان
وحید کرباسی: کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۲۴-۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۵/۱۴

چکیده

پژوهش پیش‌رو با تأکید بر آیات شریفه قرآن کریم سعی دارد تا نظریه‌ای اسلامی پیرامون «قدرت نرم» بازتولید نماید؛ زیرا براساس نظر نگارنده، همچنین با تأکید بر دلیل و برهان، نظریه «قدرت نرم» از منظر غربی «دارای نقایص و نیز تعارض‌هایی با آموزه‌های دین مبین اسلام است و بهره‌گیری از آن منوط به اصلاح و بازتولید آن می‌باشد. در این پژوهش سعی بر آن است در ابتدا با بهره‌گیری از روشی توصیفی-تحلیلی، شرحی از «قدرت نرم» در گفتمان سکولار غربی ارائه گردد و سپس با بهره‌گیری از روشی که پژوهشگران در تفسیر موضوعی قرآن کریم از آن بهره می‌برند، این مفهوم در گفتمان اسلامی و با تأکید بر آیات شریفه قرآن کریم تبیین شود. در این روش ابتدا مفهوم غربی و مؤلفه‌های آن به قرآن عرضه می‌شود و آیات مرتبط با موضوع مشخص می‌گردد و سپس با کنارهم قرار دادن مفاهیم آیات سعی در استخراج منظومه اسلامی این مفهوم می‌نماییم. نتایج بدست آمده گویای این است که انگاره «قدرت نرم» در گفتمان غربی تک‌بعدی و ناظر بر وجه مادی انسان است و لذا میان قدرت و اخلاق تفکیک قائل شده و از درک سایر منابع قدرت عاجز می‌باشد؛ حال آنکه در نگاه قرآنی این نظریه از چهار ساحت برخوردار بوده و در آن علاوه بر منابع قدرت به مدیریت، استحکام و خاستگاه قدرت نیز توجه شده است و به جهت توجه به بعد مادی و روحانی انسان، قائل به تفکیک اخلاق و قدرت نمی‌باشد و برخی منابع دیگر برای قدرت نرم معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام؛ قرآن؛ قدرت؛ قدرت سخت؛ قدرت نرم



۱- مقدمه

«قدرت نرم» و منابع مرتبط با آن مفهومی جدید نیست و با توجه به گستردگی دایره مفهومی آن، شواهد فراوانی وجود دارد که سیاستمداران در طول تاریخ به منظور پیشبرد اهداف خود بدان متوسل شده‌اند، البته از انسجام و ترتیب‌بندی این مفهوم و ورود اصطلاح آن در عرصه علم سیاست بیش از چند دهه نمی‌گذرد. در متون کلاسیک و حتی مدرن، واژه و مفهوم «قدرت» بیشتر به قدرت نظامی و اقتصادی اطلاق می‌گشت؛ اما در چند دهه اخیر تعریف دیگری از قدرت و مفهوم آن ارائه گشته است که واژه «قدرت نرم» بر آن نهاده شده است.

پژوهشگران و نویسندگان، تألیفات و پژوهش‌های بسیاری در این زمینه عرضه نموده‌اند که می‌توان این پژوهش‌ها را در دو رهیافت بومی و غیربومی طبقه‌بندی نمود. در رهیافت غیربومی می‌توان به آثار نویسندگان غربی چون جوزف‌نای^۱ اشاره نمود. در این رهیافت، نظریه «قدرت نرم» در منظری تک‌بعدی و ناظر بر وجه مادی انسان مورد بررسی قرار می‌گیرد و لذا این دسته آثار میان قدرت و اخلاق تفکیک قائل شده و از درک سایر منابع قدرت عاجز می‌باشد. در رهیافت بومی سعی شده است این نظریه بومی‌سازی گردد و لذا با نگاهی بومی-اسلامی به این نظریه می‌نگرد. اما از جمله زمینه‌های مهمی که در تولیدها چندان بدان پرداخته نشده است، بیان شالوده و اساس مفهوم قدرت نرم و ساحات این نظریه در دیدگاه اسلامی است و از این حیث کم قوت است. ضعف دیگر تولیدهای بومی پرداختن به این انگاره در آینه آیات قرآن کریم می‌باشد.

در این نوشتار ابتدا به چارچوب مفهومی می‌پردازیم تا مقصود از به کارگیری اصطلاحاتی چون «قدرت نرم» و «قدرت سخت» روشن گردد. در ادامه و در چارچوب نظری به دو دیدگاه اسلامی و غربی پیرامون قدرت نرم خواهیم پرداخت. در دیدگاه غربی به اختلاف نظریه پردازان در توصیف «قدرت نرم» می‌پردازیم و در این رهگذر به تعاریف جوزف‌نای پدیدآورنده این مفهوم در علوم سیاسی نظر می‌افکنیم. سپس بیان می‌کنیم که قدرت نرم در دیدگاه غربی را می‌توان تحت عنوان سه رهیافت «جداییت»، «اثرگذاری غیر تهدیدآمیز» و «کارایی» طبقه‌بندی نمود. در بخش دوم چارچوب نظری، به بحث اصلی مقاله یعنی چیستی دیدگاه اسلامی و به‌ویژه قرآن کریم (وحی) پیرامون قدرت نرم می‌پردازیم و در این راستا قدرت نرم را در چهارساحت نظری «منابع قدرت»، «استحکام قدرت»، «مدیریت قدرت» و «خاستگاه قدرت» طبقه‌بندی می‌نماییم؛ ضمن توضیح هر یک، محوریت بخش سوم را در ساحت «منابع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم» قرار می‌دهیم و آن را در سه دسته «منابع اعتقادی»، «منابع اخلاقی» و «منابع مادی (اقتصادی)» معرفی نموده و در ذیل موضوع، آیات مرتبط را ذکر می‌کنیم. با رویکرد مذکور تحقیق حاضر در پی آن است تا با نگاه به قرآن کریم به منظومه‌ای جدید و الهی در چارچوب مقوله قدرت نرم نائل گردد. لذا موضوع بحث را در قالب این سؤال سامان می‌دهیم که انگاره «قدرت نرم» در دیدگاه اسلامی و با تأکید بر آیات قرآن کریم چه مؤلفه‌هایی دارد؟

۲- چارچوب مفهومی ۱-۲- قدرت

«قدرت» مفهومی است که در علوم طبیعی و علوم انسانی مورد توجه قرار گرفته و از مباحث محوری علم سیاست و مورد اندیشه و تأمل در متون و آثار سیاسی و اجتماعی است و هنوز هم محل مناقشه و مجادله در حوزه علوم سیاسی، علوم اجتماعی، علوم اقتصادی و سایر رشته‌های مرتبط است (جمالی، ۱۳۷۹: ۲۵۱). در دنیای امروز در ارتباط با قدرت عواملی همچون رشد اقتصادی، فناوری و آموزش از اهمیت والاتری برخوردارند حال آن که اهمیت عوامل قدرت‌زای گذشته چون جغرافیا، جمعیت و مواد خام رو به نزول است.

۲-۲- قدرت نرم

اصطلاح «قدرت نرم» برای نخستین بار بعد از جنگ جهانی دوم توسط ای.اچ. کار اندیشمند واقع‌گرای انگلیسی در سال ۱۹۳۹ مطرح شد. کار، قدرت بین‌المللی را در سه بخش نظامی، اقتصادی و قدرت تسلط بر افکار توصیف نمود (کار، ۱۹۶۴: ۱۰۸). اما قدرت نرم به مثابه یک نظریه منسجم برای اولین بار توسط جوزف ساموئل‌نای در مقاله‌ای با عنوان «گمراه‌کنندگی استعاره انحطاط»^۲ مطرح شد و از این رو از وی به عنوان مبدع قدرت نرم در جهان یاد می‌شود. نای تعاریف زیادی از قدرت نرم در مقالات مختلف ارائه کرده است که از مجموع تعاریف مطرح چنین برمی‌آید که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی می‌باشد (نای، ۱۳۸۲: ۱۰).

۳- چارچوب نظری

دستیابی به تصویری از مفهوم قدرت نرم بنایی است که شالوده‌اش بر تحلیل از ماهیت طبیعت انسان (انسان‌شناسی)، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و فرجام‌شناسی استوار است که با اهتمام به دیدگاه سکولار غربی در این مبانی و نگاهی تک‌بعدی به ماهیت و خاستگاه قدرت، منظومه‌ای کاملاً متفاوت با دیدگاه اسلامی پدید می‌آورد. در ذیل ابتدا اهم ویژگی‌ها و وجوه تمایز و رجحان قدرت نرم بر قدرت سخت را از نظر می‌گذرانیم و در ادامه به رهیافت‌های غربی پیرامون قدرت نرم می‌پردازیم و در پایان دیدگاه اسلامی را تشریح می‌نماییم.

۱-۳- ویژگی‌های قدرت نرم

قدرت نرم در مقایسه با قدرت سخت متضمن خصیصه‌هایی است که آن را از رقیب خود پیش می‌اندازد و نمایان‌گر مطلوبیت و اهمیت این مفهوم در قیاس با قدرت سخت می‌باشد. در ذیل به اهم این ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم:

1 . Carr

2 . Misleading Metaphor of Decline



۳-۱-۱- هزینه پایین

بی تردید بر همگان روشن است که پدیده قدرت سخت در طول تاریخ هزینه‌های جبران‌ناپذیری را بر انسان تحمیل نموده است. هزینه‌بر بودن تحقیقات نظامی، ساخت و تولید سلاح‌های پیشرفته و «محظور امنیتی»^۱ موجب گردیده تا کشورها بودجه‌های سنگینی را به منظور کنترل اوضاع و حفظ و افزایش قدرت سخت خویش به کار برند. این امر در بسیاری موارد موجب کسری بودجه و غفلت از ابعاد دیگر جامعه مثل ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌گردد.^۲ لذا این امور موجب گردیده تا کشورها به راهکاری جایگزین توجه نمایند که غالب آنان با نهادینه شدن مفهوم قدرت نرم در علوم سیاسی بدان روی آورده‌اند.

۳-۱-۲- تأثیرات بلندمدت

نظریه پردازان قدرت سخت واقف‌اند که قدرت سخت به منظور نیل به اهداف آنی و لحظه‌ای است و برای رسیدن به اهداف بلندمدت کارایی ندارد. از دیدگاه جامعه‌شناسانه نیز این قدرت نوعی تحمیل از بالا به پایین است. جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان انقلاب معتقدند که قدرت و تحمیلی که از بالا به پایین یعنی از نهادهای قدرت به مردم و جامعه وارد گردد در بسیاری موارد در کوتاه‌ترین زمان، فرد را به نتیجه مطلوب می‌رساند ولی در عین حال بسیار زودگذر و مقطعی است (بابایی، ۱۳۸۷: ۸۲). نتیجه تا زمانی باقی می‌ماند که زور و تهدید حضور دارد و با افول قدرت مزبور منافع به دست آمده به سرعت از دست می‌روند.

۳-۱-۳- اتکای قدرت نرم بر هنجارها و ارزش‌ها

با شکست کشورهای قدرتمند جهان در عرصه‌های عملیات نظامی و جنگ و نبرد در دو قرن اخیر، همگان به این باور رسیدند که به‌غیر از سلاح‌های نظامی پیشرفته، قدرت فرماندهی و استراتژی‌های نبرد عوامل دیگری نیز در رسیدن به پیروزی مؤثر هستند. مجموعه عوامل ذکر شده موجب گردید که کم‌کم زاویه نگرش به قدرت متحول گردد. در فضای پست‌مدرن مفهوم «قدرت» باز تعریف شد. در این بازتعریف اولاً: نگاه به قدرت از حالت سخت‌افزاری تبدیل به یک نگاه هنجاری و فرهنگی شد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۶). و در ثانی منابع قدرت، دیگر منحصر در آنچه در دست حکومت بود نمی‌شد و بحث از تکرر منابع قدرت به میان آمد. اساس قدرت نرم در ارزش‌ها، فرهنگ و نحوه‌ی رفتار با هر کشور در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی و در ایجاد حس مشروعیت برای اهداف بین‌المللی یک کشور نهاده شده است (کلاهیچیان، ۱۳۸۷: ۱۴۵). بنابراین کشورهایی که از هنجارهای جذاب برخوردارند و پشتوانه غنی فرهنگی و ارزشی دارند به سهولت می‌توانند به لحاظ نرم به یک ابرقدرت تبدیل گردند.

۳-۱-۴- اتکای قدرت نرم بر امور ذهنی در مقابل امور عینی

قدرت نرم برخلاف قدرت سخت که مبتنی بر عینیت است بر نوعی از ذهنیت استوار است (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱۷). در واقع به لحاظ منطقیون و فلاسفه قدرت نرم امری سوژه است و ایژه نیست. به‌عنوان مثال کاری که هجده رسانه‌ای غرب صورت می‌دهد تسلط بر افکار و اذهان عمومی جهانی است و البته چه‌بسا تأثیر آن

1. Security dilemma

۲. به‌عنوان نمونه بودجه دفاعی سال ۲۰۰۶ دولت آمریکا بدون احتساب هزینه جنگ عراق بالغ بر ۵۳۶ میلیارد دلار بوده است.

نسبت به حملات نظامی شگرف تر باشد.

۳-۱-۵- تنوع بازیگران در قدرت نرم

بی تردید در قدرت سخت تنها دولت‌ها بازیگران اصلی در عرصه هستند. این در حالی است که در قدرت نرم چنین نیست و بازیگران و صحنه‌گردانان تنها به دولت‌ها محدود نمی‌شوند. در واقع مهم‌ترین بازیگران را کنش‌گران غیردولتی مثل سمن‌ها، گروه‌ها، رسانه‌ها و به‌طور کلی جامعه مدنی در برمی‌گیرد. هوکینگز بیان می‌دارد: «نای معتقد است که سمن‌ها و دیگر کنش‌گران دارای ظرفیت برای بازی قدرت جذاب و به کار گرفتن نتایج به‌منظور مهار دولت‌ها می‌باشند» (هوکینگز، ۹۷: ۱۳۸۷).

۳-۱-۶- پیچیدگی ارزیابی و مقابله با قدرت نرم

از آنجا که امور مربوط به قدرت نرم، اموری ذهنی است و عینی و ملموس نیست لذا حکومت‌ها نمی‌توانند به همان وسعتی که قدرت سخت را کنترل می‌کنند، قدرت نرم را کنترل کنند زیرا اندازه‌گیری و میزان تأثیر آن بسیار مشکل است (واتانامه و مکائل، ۱۳۸۹: ۴۸).

۳-۱-۷- متغیر بودن منابع در قدرت نرم

همان‌طور که بیان شد، قدرت نرم مبتنی و متکی بر هنجارهاست و این امور مبتنی بر اعتباریات هستند و لذا ثابت و ایستا نیستند و به تعبیر نای، با تغییر مفاهیم، منابع نیز تغییر می‌کنند و به دنبال آن نتیجه می‌شود که قدرت نرم ساکن و ایستا نیست (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۶).

۳-۱-۸- بازدهی در بلندمدت

قدرت نرم به‌صورت تدریجی ایجاد شده و لذا نائل شدن به هدف مطلوب زمان‌بر است و تدریجاً صورت می‌پذیرد و البته در صورت از بین رفتن و یا افول منابع، آن نیز به‌صورت تدریجی از بین می‌رود (آقامهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ۱۷۲). در واقع قدرت نرم بدان جهت که متکی و مبتنی بر هنجارها و مؤلفه‌های فرهنگی و ارزش‌های جامعه است و مقولات فرهنگی در طول زمان و به‌صورت تدریجی پدید می‌آیند و در جامعه نهادینه می‌شوند؛ لذا قدرت نرم نیز غالباً به تدریج برای یک بازیگر ایجاد می‌گردد.

نکته‌ی حائز اهمیت این است که منابعی که در طول مبحث برای قدرت نرم ذکر شد؛ منابع بالقوه‌ای هستند و صرف این که بازیگری از این منابع برخوردار باشد حاکی از قدرت نرم آن بازیگر نیست، بلکه این منابع بایستی از طریق ابزارهای قدرت نرم ماهیتی بالفعل یابند. به‌عنوان نمونه میلسن^۱ دیپلماسی عمومی را مهم‌ترین ابزار قدرت نرم در راستای مأموریت مزبور یعنی تبدیل منابع نرم به قدرت نرم می‌داند (میلسن، ۱۳۸۸: ۴۷). به‌طور کلی جامعه مدنی که رابط میان جامعه و دولت می‌باشد و تمامی نهاد‌های مهم و کلیدی مثل رسانه‌ها، مطبوعات و غیره را در برمی‌گیرد، مهم‌ترین تأثیر را در راستای هدف مذکور دارد.

۳-۲- «قدرت نرم» در دیدگاه غربی

برخی نظریه‌پردازان علم سیاست با زاویه‌ای خاص به قدرت نرم پرداخته‌اند و لذا هریک برای توصیف



این مفهوم چشم‌اندازی متفاوت را در افق نظریه‌پردازی ترسیم نموده‌اند. در ادامه به معرفی سه گونه از متداول‌ترین رهیافت‌ها در این زمینه می‌پردازیم.

۳-۲-۱- رهیافت اول: قدرت نرم به مثابه جذابیت

جوزف نای در تعریف خود از قدرت نرم بیان می‌دارد که «قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه و نه از طریق اجبار و تطمیع» (نای، ۱۳۸۷: ۲۴). در جای دیگر این قدرت را صراحتاً برابر با مفهوم جذابیت قرار می‌دهد و اظهار می‌دارد که «قدرت نرم جذابیت است و منابع آن دارایی‌هایی است که چنین جذابیت‌هایی تولید می‌نماید» (نای، ۱۳۸۷: ۴۴). نای در دیگر نوشتارهای خود به قدرت «متقاعد نمودن» نیز اشاره می‌کند (نای، ۱۳۸۷: ۴۶). در نهایت از میان اجبار، ایجاد انگیزه و جذب نمودن، سومین را در تطابق با نظریه قدرت نرم خود معرفی می‌نماید (نای، ۱۳۸۹: ۲۹).

در این رهیافت هر بازیگر به جای آن که از طریق تطمیع و یا تهدید، دیگران را با خود همراه نماید از طریق هنجار سازی و ایجاد جذابیت به دنبال جلب همکاری دیگران است. به طور مثال ایالات متحده در دو جنگ عراق و به ویژه در سال ۲۰۰۳ میلادی به خوبی از قدرت نرم بهره برد و با ارائه تصویری غیر واقعی از عراق، عملیات اشغال و تجاوز به عراق را در نظر افکار عمومی جهان به عملیات «آزادسازی» تعبیر نمود.^۱

۳-۲-۲- رهیافت دوم: قدرت نرم به مثابه اثرگذاری غیر تهدید آمیز

واضح است که اثرگذاری بر دیگران از روش‌های دیگری همچون به کارگیری مهارت‌های ارتباطی نیز امکان دارد. رینولد در کتاب «قدرت نرم در سیاست خارجی»^۲ منابع قدرت نرم را از آنچه نای معرفی می‌نماید گسترده‌تر بیان می‌کند. بنابر تعریف او، قدرت نرم را می‌توان توانایی تأثیر بر دیگران از هر راهی به غیر از تهدید دانست (رینولد،^۳ ۲۰۰۳: ۱۳). با تعریف وی قدرت نرم معنایی عام‌تر می‌یابد و تنها محدود به «جذابیت» نمی‌شود و هر نوع اثرگذاری بر دیگران که حالت سخت‌افزاری نداشته باشد را شامل می‌شود. با چنین تعریفی مفاهیمی مثل «سازمان بین‌المللی» و «مشروعیت» در زمره چنین قدرتی قرار می‌گیرد.

۳-۲-۳- رهیافت سوم: قدرت نرم به مثابه کارآیی

در دو رهیافت پیشین به ارتباط با طرف مقابل و ایجاد رضایت در وی به منظور همکاری اهتمام ویژه‌ای شده بود حال آن که در رهیافت حاضر بازیگر به دنبال راهی است تا با بهره‌گیری از منابع نرم‌افزارانه توانایی و کارایی خویش را بالا ببرد. در این رهیافت بازیگر کاری به این ندارد که طرف مقابل جذب شود و یا اهداف او را مشروع و مقبول بداند و بلکه تنها در پی افزایش قدرت نرم خود برمی‌آید که از آن به منظور بالابردن کارایی خود بهره‌برد. باید دقت شود که «قدرت نرم» در این رهیافت بیش از پیش به «قدرت سخت» نزدیک می‌گردد زیرا در آنجا نیز یک بازیگر می‌تواند بدون پذیرش و یا جذب دیگران قدرت نظامی خویش را بالا ببرد. در این رهیافت برای نمونه می‌توان به مقوله «اِثَار و شهادت» در گفت‌مان

1. <http://www.govtrack.us/congress/bills/105/hr4655>

2. Soft Power in Foreign Policy

3. Reinold

اسلامی اشاره نمود که عامل پیروزی نهضت ملت ایران در انقلاب اسلامی و مهم‌ترین مؤلفه در پیروزی هشت سال جنگ تحمیلی بود.

۳-۳- «قدرت نرم» در دیدگاه اسلامی

همان‌طور که بیان شد، شالوده مفهوم «قدرت نرم» متأثر از جهان‌بینی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی مادی و الحادی غرب است و بی‌تردید این جهان‌بینی و ایدئولوژی‌ها در بسیاری موارد با ایدئولوژی اسلامی تعارض می‌یابد و لذا در این بخش با بهره‌گیری از قرآن کریم سعی داریم در ابتدا به نقد این گفتمان غربی پرداخته و سپس مفهوم «قدرت نرم» و مؤلفه‌های آن را به این آیات مصدق عرضه کنیم. سرانجام با کنار هم قرار دادن مفاهیم آیات، منظومه‌ای اسلامی از این مفهوم استخراج می‌نماییم.

۳-۳-۱- نقد گفتمان غربی در مقوله «قدرت نرم»

۳-۳-۱-۱- محوریت غریزه انسان:

در نگاه و منظر غربی منابع قدرت نرم، غریزه انسان می‌باشد؛ حال آن‌که در دیدگاه اسلامی منابع مزبور بر امری الهی و قدسی یعنی فطرت انسانی اتکا دارد، این امر از تفاوت خاستگاهی منابع قدرت از نظرگاه اسلام و غرب حکایت دارد. در تقسیم‌بندی کلی نیازهای انسان به دودسته، نیازهای غریزی و نیازهای فطری تقسیم می‌گردد. نیازهای غریزی انسان به آن دسته از نیازهای وی گفته می‌شود که با جسم انسان سروکار داشته و میان انسان و حیوان مشترک است. نیاز به غذا و نیاز جنسی از جمله نیازهای غریزی انسان است (مطهری، ۱۳۸۷: ۵۹). نیازهای فطری به آن دسته از نیازهای انسان اطلاق می‌شود که با روح انسان سروکار داشته و تنها مخصوص انسان است. نیازهای فطری بشر شامل اموری همچون نیاز به پرستش، گرایش به خیر و فضیلت، زیبایی دوستی، گرایش به حقیقت و غیره می‌شود. متفکران غربی با مبنا قرار دادن بعد مادی انسان و نیازهای غریزی وی از فطرت الهی انسانی و نیازهای معنوی آن غافل شده‌اند، هم‌چنان که قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَدِيمُ وَلَكِن كَثُرَ النَّاسُ لَا يَعْلَمُونَ: پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این سرشت (فطرت) الهی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند» (الروم/۳۰).

یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ: [دنیاگرایان] از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند و حال آنکه از آخرت غافل‌اند» (همان/۷).

۳-۳-۱-۲- اصالت نداشتن اخلاق

یکی از مبانی قدرت نرم و به‌طور کلی قدرت در منظر غربی جدایی اخلاق و سیاست است؛ در این نگاه اخلاق اصالت ندارد و آنچه اهمیت دارد تأمین منافع شخصی است. البته غریبان بدین موضوع پی برده‌اند



که در صورت چنین نگرشی جامعه دچار آنومی و هرج و مرج می گردد و لذا صحبت از «قرارداد اجتماعی»^۱ و وضع قانون نموده‌اند در حالی که باز این روند مانعی در برابر صاحبان قدرت و ثروت که به چپاول ثروت سایر جامعه نپردازند، نمی شود. نمونه تفکری که برای اخلاق اصالت قائل نمی شود ماکیاولی است که از دیدگاه او هدف توجیه وسیله می نماید، یعنی به منظور رسیدن و نائل شدن به هدفی می توانید از هر وسیله‌ای بهره ببرید و در واقع آنچه اهمیت دارد تأمین منافع شماست. این در حالی است که در مبانی اسلامی هم هدف و هم ابزار تحقق آن باید صحیح و اسلامی باشد (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۰۵ و ۱۲۴).

۳-۲- ساحات نظری «قدرت نرم» از دیدگاه اسلام

در گفتمان اسلامی با در نظر گرفتن و تأمل در آیات قرآن کریم متوجه چند ساحتی بودن قدرت نرم می شویم. این دیدگاه بر این عقیده است که قدرت نرم به جز صفت نرم، پدیده‌ای قابل بحث، روانی بودن و به جز ساحت «منابع قدرت» از سه ساحت دیگر نیز برخوردار است که مشتمل بر «استحکام قدرت»، «مدیریت قدرت» و «خاستگاه قدرت» می شود.

ساحت اول؛ استحکام قدرت اصطلاحی است که دلالت بر نوع ساخت‌بندی مؤلفه‌های قدرت دارد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۰۱). به گونه‌ای که توان‌مندی را افزایش داده و به برتری قدرت منجر می شود (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵ تا ۷).

در بحث از استحکام می توان به آیه شریفه زیر استناد نمود:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ: در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنان که گویی بنایی ریخته شده از سرب‌اند، جهاد می کنند» (الصف/۴).

و همچنین به هر بنای محکمی مرصوص می گویند و در اینجا منظور این است که مجاهدان راه حق در برابر دشمن یک‌دل، یک‌جان، مستحکم و استوار بایستند، گویی همه یک واحد به هم پیوسته‌اند که هیچ شکافی در میان آنها نیست (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۴ و ۶۴).

مهم‌ترین وجه تمایز نگاه به استحکام قدرت در نگاه اسلامی نسبت به نگاه غربی این است که در نگاه اسلامی راهبرد اصلی، الگوی تربیتی است که در آن هنجارهای اسلامی نهادینه می شوند و از طریق آنها رفتار افراد اصلاح می گردد حال آن که در نگاه غربی و سکولار الگوی تبلیغاتی و رسانه‌ای در جریان است و از طریق تصویرسازی و دست‌کاری‌های روان‌شناسی سعی می شود تا افراد منسجم و هم‌سو نشان داده شوند (افتخاری، ۱۳۹۱: ۷).

ساحت دوم، مدیریت قدرت اصطلاحی به‌منظور توصیف نحوه به‌کارگیری قدرت از سوی عامل انسانی است (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۰۱)، به گونه‌ای که با کمترین هزینه ممکن بیشترین ضریب تأثیر را داشته باشد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵ تا ۷). گاهی مواهب الهی موجب افزایش ضریب نفوذ، قدرت رهبری و مدیریت می گردد که برای نمونه به آیه زیر اشاره می‌نمایم که در آن خداوند به موهبت «نیک‌سیرتی پیامبر اکرم (ص)» اشاره می‌نماید که موجب الفت قلوب مؤمنان شده است:

۱: نام یکی از آثار مهم ژان ژاک روسو است که به‌عنوان راه‌کاری در جهت اداره جامعه معرفی می‌شود.

«فَمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ: پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان در گذر و برایشان آموزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد» (آل عمران/۱۵۹).

ساحت سوم، خاستگاه قدرت در نظریات سیاسی تعبیر به «ایده قدرت» می گردد و دلالت بر چیستی و چرایی اثرگذاری آن است. «ایده قدرت» در مقابل «صورت قدرت» قرار می گیرد که حاکی از ظواهر بیرونی قدرت دارد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۰۱). فلاسفه اسلامی تقسیماتی برای علت ذکر نمودند که تقسیم آن به علت تامه و ناقصه است و علت تامه را اراده پروردگار معرفی و بیان می کنند. به این ترتیب تفاوت میان علت تامه و ناقصه این است که علت ناقصه برای تحقق معلول لازم است ولی کافی نیست، ولی علت تامه برای تحقق معلول هم لازم و هم کافی می باشد و در صورت تحقق علت تامه معلول پدید می آید خواه علت ناقصه تحقق یابد و خواه نیابد.

در مثال آتش و سوزاندگی، آتش علت ناقصه برای سوزاندگی می باشد نه علت تامه و به عنوان نمونه بیان می کنند که خاستگاه آن خواست خداوند متعال است، لذا زمانی که حضرت ابراهیم (ع) توسط نمرودیان به درون آتش مهیب افتاد، آتش به فرمان خداوند سرد و سلامت گشت:

«قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ: گفتیم، ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت باش» (الانبیاء/۶۹).
و یا در داستان ذبح حضرت اسماعیل (ع)، چاقو به اذن پروردگار اثر خود که همان برنگی باشد را از دست می دهد. همچنین در آیه شریفه ۲۴۹ سوره بقره، پروردگار متعال با صراحت به وجود علت تامه و اراده‌ی خود در آثار افعال و به ویژه قدرت با تخصیص «بِإِذْنِ اللَّهِ» اشاره می نماید:
«...مَنْ مِّنْ قَلِيلٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ: بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند» (البقره/۲۴۹).

از این آیه برداشت می شود که فراوانی عدّه و عدّه دشمن در برابر اراده خداوند چیزی نیست (قرآنتی، ۱۳۸۳: ۳۹۷/۱) و تجهیزات پیشرفته و تعداد سربازان زیاد علت ناقصه برای پیروزی درنبرد است و بعید نیست اراده پروردگار که علت تامه است صورت نپذیرد که در این صورت معلول که پیروزی است متحقق نمی شود. بی تردید اراده انسان‌ها نیز در طول اراده پروردگار و علت ناقصه افعالشان است و در صورت عدم تحقق علت تامه، افعالشان صورت نمی پذیرد و حتی درجایی که مسلمانان از نیروی نظامی استفاده می کنند، بازهم خداوند آن را به خود نسبت می دهد:

«فَأَمْ تَتَّقُوهُمْ وَلِكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى: شما (مؤمنان) آنان را نمی کشتید، خدا بود که آن‌ها را می کشت و آنگاه که تیر می انداختی تو تیر نمی انداختی، خدا بود که تیر می انداخت» (الأنفال/۱۷).
پس به طور کلی، امدادهای خاص الهی به مثابه منبع اصیل و کامل قدرت نرم، در صورت وجود «ایمان» و «عمل صالح» به نفع انسان‌ها فعال شده و عمل می نماید (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۱) و آیه شریفه ۱۷ سوره اسراء بر این حقیقت صحه می گذارد:



«كُلًّا مُدًّا هَوْلًا وَهَوْلًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءَ رَبِّكَ مَحْظُورًا: هر دو [دسته] اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است» (الاسراء/۲۰).

تفاوتی که میان خاستگاه قدرت در نگاه غربی و سکولار و خاستگاه قدرت در نگاه اسلامی وجود دارد این است که در نگاه غربی و سکولار، اولاً خاستگاه قدرت نرم و قدرت سخت تفاوت دارند و ثانیاً خاستگاه قدرت به درون اشیاء و پدیده‌ها بازمی‌گردند و در واقع علت ناقصه را اصل قرار می‌دهند و پروردگار را تنها خالق پدیده‌ها می‌دانند، حال آن‌که در نگاه و منظر اسلامی خاستگاه نه تنها قدرت نرم و سخت و بلکه همه‌ی پدیده‌ها اراده و خواست پروردگار متعال است.

ساحت چهارم منابع قدرت؛ در قرآن کریم هم مسلمانان را امر به تهیه منابع سخت قدرت نموده و هم ایشان را به تهیه منابع نرم آن همچون اخلاق، ایمان و ذکر الهی می‌نماید.

در زمینه منابع سخت و ترغیب مسلمانان به منظور پرداختن به آن می‌توان به آیه شریفه ۶۰ سوره انفال اشاره نمود:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِبَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ: هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خودتان و مردم دیگری غیر از آنان را که شما آن‌ها را نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد با آن بترسانید» (الأنفال/۶۰).

در آیه مطرح شده «قوة» تنها به معنای قدرت سخت و ادوات جنگی نیست بلکه اعم از منابع سخت و نرم است و به‌طور کلی هر چیزی که موجب می‌شود مسلمانان نسبت به کفار برتری یابند مشمول آن می‌گردد (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۲۲/۲).

و در زمینه ترغیب مسلمانان به منظور اهتمام به منابع نرم می‌توان به آیه زیر اشاره نمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقَيْتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون با گروهی برخورد می‌کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید» (الأنفال/۴۵).

در آیه مذکور اشاره دارد بر این که مؤمنین با یاد و ذکر خدا در جبهه‌ها و هنگام مواجهه با دشمنان، آرامش روحی و روانی کسب کرده و با اطمینان از این که مورد حمایت خداوند هستند با نیروی مضاعف و امید فراوان به پیروزی، با دشمن مقابله می‌کنند و یاد خدا همچنین باعث شجاعت ایشان می‌گردد (قوام، ۲۰۹۱۳۸۴).

۳-۳-۳- منابع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم

۳-۳-۱- منابع اعتقادی

مهم‌ترین و مؤثرترین منبع قدرت نرم از منظر قرآن کریم منابع اعتقادی است که شرط تحقق آن‌ها ایمان به خداوند متعال و عمل صالح می‌باشد. در ذیل به چندی از مواردی که مشمول منابع اعتقادی می‌گردد اشاره می‌کنیم.

اول دعا؛ مفهوم واقعی دعا درخواست فراهم شدن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون باشد، آن‌هم از کسی که قدرتش بی‌پایان و هر امری برای او آسان است (مکارم، ۱۳۷۴: ۶۴۲). آثار دعا در

مبحث قدرت نرم، فراوان است که به چند نمونه اشاره می‌نماییم. اولاً دعا موجب محبوبیت انسان می‌گردد؛ در واقع قلوب انسان‌ها به دست پروردگار است و او می‌تواند دل‌های آنان را شیفته و مجذوب هر کس که خواهد گرداند، چنان که در آیه زیر حضرت ابراهیم (ع) خطاب به پروردگار بر این مطلب صحه می‌نهد:

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ: پروردگارا، من [یکی از] فرزندانم را در دره‌ای بی کشت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. پروردگارا تا نماز را به پادارند، پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده» (ابراهیم/۳۷).

ثانیاً دعا موجب افول و نابودی قدرت دشمن می‌شود چنانچه حضرت موسی (ع) خطاب به خداوند می‌فرماید:

«وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَنِ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ: موسی گفت: «پروردگارا، تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده‌ای، پروردگارا تا [خلق را] از راه تو گمراه کنند، پروردگارا، اموالشان را نابود کن و آنان را دل‌سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند» (یونس/۸۸).

و پروردگار نیز دعای آن جناب را مستجاب نمود: «قَالَ قَدْ أُجِيبَتِ دَعْوَتُكُمَا» (همان/۸۹).

و سوم این که دعا عامل بهره‌مندی از برکات و امدادهای الهی است که مواردی که بر این موضوع اشعار دارد در قرآن کریم فراوان است که تنها به دو نمونه اشاره می‌نماییم:

«قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ: عیسی پسر مریم گفت: بار الها، پروردگارا، از آسمان، خوانی بر ما فرو فرست تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه‌ای از جانب تو و ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی» (المائدة/۱۱۴).

«وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا: و بگو پروردگارا، مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز و از جانب خود برای من تسلطی یاری‌بخش قرار ده» (الاسراء/۸۰).

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان ذیل این آیه می‌فرماید که مقصود از عبارت «وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا: مرا در تمامی مهماتم یاری‌رسان» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۳/۱۷۶)

البته استجاب دعا ملزوم شرایطی است که از جمله آن شرایط به «واقعی بودن دعا»^۱، «مخالف نبودن با سنن تکوینی و تشریحی»^۲، «توأم بودن دعا با عمل»^۳ و غیره می‌توان اشاره نمود.

دوم ذکر و یاد پروردگار؛ از دیگر منابع قدرت نرم ذکر و یاد الهی است. در آیه شریفه ۴۵ سوره انفال

۱. «أَمِنْ حُجُبِ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَا وَكَثِيفِ الشَّوْءِ...» (النمل/۶۲) - زیرا در هنگام اضطراب دعا واقعی است و از حقیقت برخوردار است.
۲. هدف از دعا نمودن دستیابی به اهدافی است که نظام آفرینش یا تشریح برای او معین نموده است و لذا طبیعی است که در صورت تعارض مضمون دعا با آن اهداف دعا بر آورده نخواهد شد (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۳۹) مثل دعا برای عمر جاودانه یافتن.
۳. گاهی انسان با تلاش و عمل می‌تواند به خواسته خود برسد ولی کوتاهی می‌نماید و با صرف دعا می‌خواهد به مطلوب خود برسد که دعا در این صورت مستجاب نمی‌شود. دعا مکمل و متمم عمل است نه جانشین آن (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۴۴).



خداوند به مؤمنان سفارش می کند که در میدان جنگ دو کار انجام دهند: اول آن که پایداری و استقامت داشته باشند و دوم آن که بسیار ذکر خدا را گویند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (الأنفال/۴۵).

«أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ: و همچنین با یاد خدا دل‌ها آرامش و اطمینان می یابد» (الرعد/۲۸).

سوم ایمان؛ جایگاه این منبع در قلب آدمی است و آثار ایمان در مبحث قدرت نرم، فراوان است که به چند نمونه اشاره می نماییم. اولاً ایمان موجب محبوبیت انسان می گردد و عامل جذب وی در قلوب انسان‌ها می گردد، ثانیاً همان‌طور که در مبحث خاستگاه قدرت بیان شد شرط اصلی بهره‌مندی از امدادهای الهی خاص به مثابه قدرت نرم وجود ایمان در انسان‌هاست.

البته بایستی بدین نکته نیز اهتمام داشت که سایر انسان‌ها نیز صرف‌نظر از دین و مسلکشان در صورتی که طبق برخی سنن الهی رفتار نمایند، مشمول امدادهای عام الهی می گردند^۱، سوم این که موجب افزایش شجاعت و عامل شهادت‌طلبی^۲ و چهارم این که عامل تقویت منابع سخت^۳ و غیره می باشد.

چهارم ولایت؛ یکی دیگر از منابع قدرت نرم در جامعه اسلامی است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۷). براساس آیات قرآن کریم، خداوند متعال بر تمامی مخلوقات ولایت دارد و ولایت انبیاء و معصومین (ع) در طول این ولایت قرار دارد.^۴ مطابق با سنن الهی پیروی از ولایت الهی موجب غلبه بر دشمنان می شود:

«وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود بداند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیروزمندان‌اند. (المائدة/۵۶)

این آیه دال بر آن است که همراه بودن و تبعیت از ولایت الهی، انسان‌ها را در زمره حزب الله قرار می دهد که همواره غالب و پیروزند.

۳-۳-۲- منابع اخلاقی

اخلاق یکی از مقوله‌های مهم در گفتمان اسلامی است و آیات قرآن کریم بدان اهتمام زیادی ورزیده

۱. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم/۹۶) - ترجمه: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می دهد.

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (الحديد/۲۸) - ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید و بر شما ببخشايد و خدا آمرزنده مهربان است.

۳. «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ...» (التوبة/۵۳) - ترجمه: بگو آیا برای ما جز یکی از دو نیکی [پیروزی ظاهری یا پیروزی باطنی یعنی شهادت] را انتظار می برید؟

۴. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...» (الأعراف/۹۶) - ترجمه: و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً بر کاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم...

۵. «إِنَّمَا يَتُوبُ إِلَيْكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ ذَاكِرُونَ» (المائدة/۵۵) - ترجمه: ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

است. آثار اخلاق در مبحث قدرت نرم فراوان است که به چند نمونه اشاره می‌نماییم. اولاً اخلاق نیکو موجب محبوبیت در قلوب مردم می‌گردد^۱ و در ثانی عامل بهره‌مندی از امدادهای الهی است. همان‌طور که در مبحث خاستگاه قدرت بیان گشت راز بهره‌مندی از امدادهای خاص الهی ایمان به همراه عمل صالح است که در واقع اخلاق نیکو مشمول عمل صالح می‌باشد. همان‌گونه که برخی افعال نیک برای انسان برکاتی دارد، افعال و رفتار بدسیرت و بی‌اخلاقی‌ها نیز دارای آثار سوء فراوانی است که از جمله مهم‌ترین این بی‌اخلاقی‌ها دروغ است.^۲

۳-۳-۳-۳- منابع مادی (مالی و اقتصادی)

منظور از این منابع، اموری همچون پول و امکانات است که برهمگان روشن است که یکی از ملموس‌ترین منابع نرم است. پروردگار متعال در قرآن کریم بدین منبع نیز اشاره نموده و به کارگیری درست آن را «المؤلفه قلوبهم» خوانده است که موجب تألیف قلوب و محبوبیت و مجدوبیت بازیگر می‌شود:

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ: صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود و در [راه آزادی] بردگان و وامداران و در راه خدا و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به‌عنوان فریضه از جانب خداست و خدا دانای حکیم است» (التوبة/۶۰).

نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که اسلام به حاکم اسلامی اجازه می‌دهد که بخشی از زکات مسلمین را برای ایجاد محبوبیت و جذب دیگران به اسلام و حکومت اسلامی هزینه نماید، چنان‌که در درجه اول پیامبر اسلام (ص) بخشی از زکات را برای تألیف قلوب به برخی از سران قبایل و بزرگان عرب مثل ابوسفیان پرداخت نمودند و در ثانی مقوله «المؤلفه قلوبهم» قابل قید زدن نیست و آیه مذکور به جهت موارد شمول اطلاق دارد (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۰) و قابل تقید به زمان نیز نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۳۱۴/۹).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی منابع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم در سه دسته «منابع اعتقادی»، «منابع اخلاقی» و «منابع مالی» قرار می‌گیرد. با توجه به آنچه مطرح گردید مشخص شد که منابع اعتقادی دارای دایره تأثیر و اثرگذاری بیشتری هستند. در طول نوشتار سعی شد تا با بهره‌گیری از قرآن کریم نوعی بازتعریف از مفهوم نوین «قدرت نرم» در گفتمان اسلامی صورت پذیرد و ترجیح بر آن بود تا ارجاعات تنها به آیات شریفه

۱. «فِيمَا رَحِمَةً مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ يَلِغِ اللَّهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ... (آل عمران/۱۵۹) - ترجمه: پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند... تاجایی که یکی از سه عامل پیشرفت اسلام «اخلاق نبی» (ص) برای حقیقت‌طلبان «معرفی شد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۳: ۴۰۶).

۲. دروغ در دنیا و آخرت انسان را از رحمت الهی محروم می‌کند و در میان مردم بی‌اعتبار می‌نماید و اعتماد عمومی را سلب و جامعه را به بیماری نفاق دچار می‌سازد و از آفات زبان و خراب‌کننده ایمان است.



قرآن کریم باشد و حال آن‌که مفسران حقیقی آیات حق تعالی معصومین (ع) هستند^۱ و بی تردید با رجوع به سخنان ارزشمند آنان می‌توان به عوامل و منابع دیگری برای قدرت نرم پی برد و به‌عنوان نمونه به فرهنگ عاشورا، فرهنگ انتظار و دیگر موارد می‌توان اشاره نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» - ترجمه: [زیرا] آنان را [با دلایل آشکار و نوشته‌ها] فرستادیم [و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند].

منابع

قرآن کریم

- آقامهدوی، اصغر و نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۰). کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار: رویکرد قرآنی. دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۱۴، ۱۶۷-۲۰۴.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). اسلامی نمودن روابط بین الملل، رویکردی قرآنی، مجموعه مقالات اخلاق و روابط بین الملل، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). دو چهره قدرت نرم، مجموعه مقالات قدرت نرم و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی بسیج). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی. فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی. سال اول، شماره ۲.
- بابایی، محمدباقر (۱۳۸۷). فرهنگ و تفکر بسیجی و قدرت نرم، مجموعه مقالات قدرت نرم؛ فرهنگ و امنیت (مطالعه موردی بسیج). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- باقری، سیامک (۱۳۸۷). بسیج و مدیریت قدرت نرم: رویکردی سیستمیک، مجموعه مقالات قدرت نرم؛ فرهنگ و امنیت (مطالعه موردی بسیج). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جمالی، حسن (۱۳۷۹). تاریخ و اصول روابط بین الملل، قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸). اظہار البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قوام، میرعظیم (۱۳۸۴). نقش امدادهای الهی و معنویت در تحولات سیاسی، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- کلاهیجان، محمود (۱۳۸۷). بررسی و نقد قدرت نرم در گفتمان غربی، مجموعه مقالات قدرت نرم و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی بسیج). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). سیری در سیره نبوی، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). فلسفه اخلاق، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میلسن، ژان (۱۳۸۸). دیپلماسی عمومی نوین؛ از ثنوری تا عمل در کتاب دیپلماسی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین الملل، ترجمه رضا کلهر و سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- واتانامه، یاسوشی و مکائل، دیوید ال. (۱۳۸۹). فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده، ترجمه محمد روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نای، جوزف اس (۱۳۸۲). کاربرد قدرت نرم. ترجمه سید رضا میرطاهر، تهران: نشر قومس.



نای، جوزف اس (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

نای، جوزف اس (۱۳۸۹). فرهنگ عامه و قدرت نرم (مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده). ترجمه سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

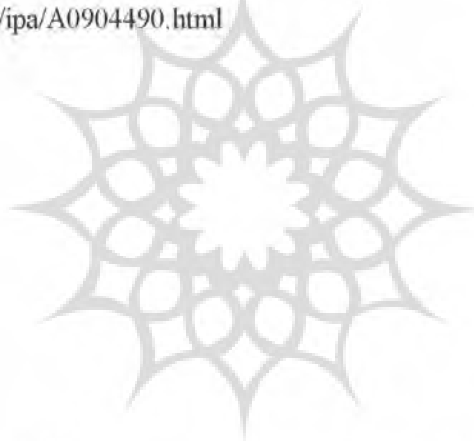
هو کینگ، برابان (۱۳۸۸). بازاندیشی در دیپلماسی عمومی نوین، در ژان میلسن و همکاران، قدرت نرم در روابط بین الملل. ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

Carr, E.H. (1964). *The Twenty Years Crisis, 1919-1939. An Introduction to the Study of International Relations*. New York, Harper & Row.

Reinold, T. (2003). *Soft Power in Foreign Polic*. Berlin: VDM Verlag.

<https://www.govtrack.us/congress/bills/105/hr4655>

<http://www.infoplease.com/ipa/A0904490.html>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی